

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Analysis of the Liability of the 'Āqilah in Relation to the Acceptance of the Principle of Non-Contractual Civil Liability Arising from the Act of Another

Hamed Safari Rizi¹, Alireza Yazdanian^{2*}, Reza Soltani³

1. PhD Student in Private Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

2. Associate Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

* Corresponding Author's Email: a.yazdanian@ase.ui.ac.ir

ABSTRACT

In some cases, following Islamic jurisprudence, positive law imposes liability on the 'āqilah, relatives, or ultimately the public treasury. Some scholars regard this form of liability as contrary to the principle of the personal nature of liability and, accordingly, have either opposed these institutions or treated them as exceptional. However, an analysis of the nature of liability in these institutions shows that such liability is a form of non-contractual civil liability. Moreover, in the laws of some countries, civil liability arising from the act of another has become an established principle. Although the legislator, in the Islamic Penal Code enacted in 2013, has confused the foundations and effects of the liability of the 'āqilah with the liability of relatives, explaining the foundations of the civil liability of the 'āqilah can contribute to the acceptance of the principle of non-contractual, and even contractual, civil liability in the Iranian legal system, which will be addressed in this study.

Keywords: 'Āqilah, relatives, non-contractual civil liability, obligations.

How to cite: Safari Rizi, H., Yazdanian, A., & Soltani, R. (2023). Analysis of the Liability of the 'Āqilah in Relation to the Acceptance of the Principle of Non-Contractual Civil Liability Arising from the Act of Another. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(1), 157-170.



تاریخ ارسال: ۵ بهمن ۱۴۰۱
تاریخ بازنگری: ۳ خرداد ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۰ خرداد ۱۴۰۲
تاریخ چاپ: ۳۱ خرداد ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

تحلیل مسئولیت عاقله در راستای پذیرش اصل مسئولیت مدنی غیر قراردادی ناشی از عمل غیر

حامد صفری ریزی^۱، علیرضا یزدانیان^{۲*}، رضا سلطانی^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
 ۲. دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
 ۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
- * پست الکترونیک نویسنده مسئول: a.yazdaniyan@ase.ui.ac.ir

چکیده

در مواردی، به تبع فقه، در حقوق موضوعه، مسئولیتی بر عاقله یا بستگان یا نهایتاً بیت‌المال بار می‌گردد که برخی، مسئولیت مزبور را مخالف اصل شخصی بودن مسئولیت دانسته و بنابراین یا با این نهادها مخالفت شده و یا به صورت استثنایی با آنها برخورد می‌گردد. در حالی که تحلیل ماهیت ضمان در این نهادها، نشان می‌دهد که ضمان مزبور، نوعی مسئولیت مدنی غیرقراردادی است و از سوی دیگر، در حقوق برخی از کشورها، مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر، تبدیل به یک اصل شده است. اگرچه قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دچار خلط مبحث در باب مبنای و آثار ضمان عاقله با مسئولیت خویشان شده است، لکن تبیین مبنای مسئولیت مدنی عاقله از موجبات پذیرش اصل مسئولیت مدنی غیرقراردادی و حتی قراردادی در نظام حقوقی ایران خواهد بود که بدان خواهیم پرداخت.

کلیدواژگان: عاقله، خویشان، مسئولیت مدنی غیرقراردادی، تعهدات.

نحوه استناددهی: صفری ریزی، حامد، یزدانیان، علیرضا، و سلطانی، رضا. (۱۴۰۲). تحلیل مسئولیت عاقله در راستای پذیرش اصل مسئولیت مدنی غیر قراردادی ناشی از عمل غیر. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۱(۱)، ۱۷۰-۱۵۷.

مسئولیت مدنی فرانسه، سخن از «جمعی کردن مسئولیت» به میان آمده است (Delebecque & Pansier, 2008). در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد حقوق اسلامی یکی از کامل‌ترین سیستم‌های حقوقی است که در آن یک بیمه‌ی خانوادگی مطرح شده است. نه تنها مسئولیت «عاقله»، بلکه مسئولیت «خویشان نسبی» هم مطرح شده است و نهایتاً صندوق ذخیره‌ای تحت عنوان «بیت‌المال» برای تضمین جبران خسارت پیش‌بینی گردیده است. بنابراین، در وضعیتی که حقوق مسئولیت مدنی در دنیا گاه از طریق ایجاد مسئولیت «تضامنی» یا «تضاممی» یا «تجزیه‌ناپذیر» یا ایجاد «صندوق تضمین» یا گسترش «مسئولیت جمعی» و در نهایت با مسئول دانستن افرادی در کنار مسئول حادثه سعی در جبران خسارت زیان‌دیده به‌نحو کامل دارد (Legier, 2008)، می‌توان با نگرشی نوین به مسئولیت عاقله و خویشان، با استمداد از فقه، این نهادها را کارآمد نمود. نکته‌ی جالب توجه این است که همه احکام و نتایجی که در حقوق مسئولیت مدنی فرانسه از طرح مسئولیت مدنی ناشی از غیر به دست می‌آید، یعنی تضمین حق زیان‌دیده (Malinvaud, 2005)، در فقه اسلام نیز وجود دارد و فقط با اندک دخالتی از سوی قانون‌گذار می‌توان با وارد نمودن برخی از آرای فقهی در حقوق، نحوه‌ی تفسیر را یکسان نمود و بر غنای حقوق مسئولیت مدنی افزود.

طرح مسئولیت ناشی از عمل غیر در حقوق مسئولیت مدنی

در یک سیستم حقوقی، هر کس بار مسئولیت خویش را بر دوش می‌کشد (Lecourt, 2008) و اصل شخصی بودن مسئولیت از اصول بنیادین حقوق است (Porchy-Simon, 2006). این امر در حقوق کیفری، در مورد مجازات‌های غیرنقدی قاعده‌ای کلی است. اما در حقوق تعهدات، مخصوصاً در حقوق مسئولیت مدنی، گاه بنا به دلایلی، قانون‌گذار مسئولیت فعل یک شخص را بر دوش شخص دیگری قرار می‌دهد. در این موارد، مسئولیت ناشی از عمل غیر که قبلاً نوعی استثناء به شمار می‌رفته است، اخیراً در حقوق

عده‌ای از حقوق‌دانان، مسئولیت عاقله و حتی به‌نوعی مسئولیت خویشان را خلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها دانسته‌اند. علی‌رغم اینکه گفته شده است ضمان عاقله برخلاف اصل شخصی بودن مسئولیت است، اما می‌توان از جهات متعدد آن را از منظر حقوق مسئولیت مدنی توجیه نمود (Hosseini Manesh, 2003). نتیجه‌ی این نگرش، برخی را به این عقیده سوق داده که امروزه، نیاز چندانی به بعضی از این نهادها نیست و کسانی که معتقد به حذف آن‌ها نیستند نیز معتقد به تعیین قلمروی محدود برای این نهادها هستند. در حالی که بررسی ماهیت ضمان بارشده بر عاقله و خویشان نشان می‌دهد که ماهیت این ضمان، کاملاً یک دین است و با تحقق جنایت، تعهدی با موضوع جبران خسارت بر ذمه‌ی این اشخاص بار می‌شود که نوعی ضمان قهری و از مقوله‌ی مسئولیت مدنی غیرقراردادی است. ضمان ناشی از جنایت که به تبع فقه در قانون مجازات مطرح شده، مشابه دین و تعهد ناشی از جرم است (Viney, 1995) که در ماده ۱۳۷۰ ق.م.ف وجود دارد. همچنین در حقوق فرانسه، جرم به‌عنوان یکی از منابع تعهد است که مشابه این عقیده را در فقه می‌توان دید (Maraghi, 1996). از سوی دیگر، عده‌ای از اندیشمندان حقوق مسئولیت مدنی معتقدند که مسئولیت فردی کارایی خود را از دست داده و زمان افول مسئولیت فردی فرارسیده است (Cabrillac, 2005). در کتب حقوق تعهدات فرانسه، به‌کرات این امر مطرح گردیده است که مسئولیت مدنی کیفر گناه نیست تا لزومی به رعایت کامل قاعده‌ی شخصی بودن مسئولیت باشد. مسئولیت مدنی پرداخت یک دین است که اصولاً کسی که آن را بهتر تحمل می‌کند، باید بپردازد (Benabent, 2005). امروزه این توجیه وجود دارد که جبران خسارت گاه از عهده‌ی یک نفر خارج است و بهتر است بر دوش افراد متعدد سرشکن گردد. در این راستا، نهاد بیمه یکی از بهترین ابزارها برای نیل به این هدف است. بنابراین در حقوق

گردد (Toulet, 2005)، ولی نظام فقهی، این نتیجه را قرن‌ها قبل، با گسترش مسئولیت ناشی از عمل غیر به دست آورده است.

گفتار اول: مسئولیت مدنی عاقله

۱- تعریف عاقله

مسئولیت عاقله نهادی است شبیه بیمه. به این صورت که قتل یا برخی جنایات دیگر که شخصی از روی خطا مرتکب می‌شود، دپه‌ی آن به‌عنوان مسئولیت مدنی بر دوش برخی از خویشاوندان است که به آن‌ها عاقله گویند (Al-Tusi, 1968; Ibn Manzur, 1984). این بیمه‌ی خانوادگی سبب می‌شود که مسئولیت بین افراد تقسیم شود. طبق ماده‌ی ۳۰۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰، «عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری، به ترتیب طبقات ارث، به‌طوری‌که همه کسانی که حین‌الفوت می‌توانند ارث ببرند، به‌صورت مساوی عهده‌دار پرداخت دپه خواهند بود» که عیناً در ماده‌ی ۴۶۸ ق.م.ا جدید مصوب ۱۳۹۲ نیز آمده است. از منظر فقه امامیه، عاقله چهار گروه بوده و شامل عصبه، معتق، ضمان جریره و امام (ع) می‌باشند (Al-Hilli, 1988; Khomeini, 1994).

عصبه، آن گروه از خویشاوندان ذکوری هستند که از ناحیه‌ی پدر یا پدر و مادر با شخص نسبت داشته و به ترتیب طبقات ارث، مسئول پرداخت خسارت قرار می‌گیرند (Al-Hilli, 1988; Al-Mufid, 1989). به هر حال، مسئولیت عاقله، حکمی است که هم در فقه امامیه و هم در فقه اهل سنت (Ibn Zuhra, 1996; Najafi, 1983) مطرح شده، ولی در این مقاله، از منظر قسمتی از حقوق تعهدات غیرقراردادی، یعنی حقوق مسئولیت مدنی، مطرح می‌شود. همان‌گونه که برخی از فقها، با طرح دپه در قالب ضمان، دپه را نوعی مسئولیت مدنی و جبران خسارت تلقی نموده‌اند (Al-Kasani, 1988).

فرانسه، تبدیل به یک قاعده شده است (Lapoyade Deschamps, 1998) و به جهت صدور رأی، مشهور به «بلیک» در سال ۱۹۹۱ در دیوان عالی فرانسه (Martini & Losfeld, 2000)، در کتب حقوق تعهدات، از «اصل مسئولیت ناشی از عمل غیر» یاد شده است که خود این مسئولیت نیز قواعد و اقسام خاصی پیدا کرده است (Jeuland, 2009). به‌طور کلی، مسئولیت ناشی از عمل غیر در سه مورد اتفاق می‌افتد: ۱- مسئولیت متبوع، ناشی از عمل تابع؛ ۲- مسئولیت سرپرست، به جهت عمل شخص تحت سرپرستی؛ ۳- مسئولیت قراردادی، ناشی از عمل غیر. در حقوق فرانسه، مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع و مسئولیت سرپرست به جهت عمل شخص تحت سرپرستی، در ماده‌ی ۱۳۸۴ ق.م.ف وجود دارد (Martini & Losfeld, 2000) و در حقوق ایران نیز نسبت به مسئولیت متبوع به جهت عمل تابع، ماده‌ی ۱۲ ق.م.م و نسبت به مسئولیت ناشی از قصور در وظیفه‌ی نگهداری و مراقبت، ماده‌ی ۷ قانون مزبور اشاراتی دارند. مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر نیز در رویه‌ی قضایی فرانسه مطرح شده (Martini & Losfeld, 2000) که در حقوق ایران نیز نمونه‌هایی از آن یافت می‌شود که موضوع این مقاله نیست.

اما در حقوق ایران، گاه مواردی از مسئولیت‌های ناشی از عمل غیر مطرح می‌گردد؛ مانند مسئولیت عاقله یا مسئولیت خویشان یا مسئولیت بیت‌المال که گرچه در قالب قواعد مسئولیت ناشی از عمل غیر نمی‌گنجد، اما انگیزه‌ی قوی فقه در جبران خسارت را نشان می‌دهد که می‌توان گفت در راستای انگیزه‌ی جبران کامل خسارت، فقه اسلامی گوی سبقت را از حقوق فرانسه ربوده است. چنان‌که حقوق فرانسه در سال‌های اخیر، به این نتیجه رسید که در راستای جبران کامل خسارات، بهتر است مسئولیت ناشی از عمل غیر یک قاعده به حساب آید و نهادهایی در کنار فاعل فعل زیان‌بار، مسئولیت را تحمل کنند و به زبان ساده‌تر، خطرات، جمعی

۲- مسئولیت عاقله ناشی از عمل غیر

سابقاً طبق ماده‌ی ۳۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ بیان شده بود که: «در خطای محض، دیه‌ی قتل و همچنین دیه‌ی جراحت (موضحه) و دیه‌ی جنایت‌های زیاده‌تر از آن به عهده‌ی عاقله می‌باشد و دیه جراحات‌های کمتر از آن بر عهده‌ی خود جانی است» که این مضمون عیناً در مواد ۴۶۳ و ۴۶۷ قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ نیز آمده است. بنابراین، نوعی مسئولیت صراحتاً بر دوش عاقله قرار گرفته بود و این امر سبب طرح این سؤال است که در یک نظام اجتماعی که هر کس مسئول عمل خویش است، چرا عده‌ای از بستگان، بدون اینکه تعهد قبلی نسبت به عمل مجرم داشته باشند، مسئول اعمال وی قلمداد می‌گردند؟ زیرا در این موارد، بین خطاکار و عاقله نه حالت گماشتگی و تابع و متبوعی وجود دارد و نه عاقله در مواردی، وظیفه‌ی مراقبت و نگهداری از خطاکار را بر عهده دارند؛ مانند فرضی که خطاکار، انسان عاقل و بالغی است. همچنین، این مسئولیت، نوعی مسئولیت قراردادی ناشی از عمل غیر نیست. به همین دلیل، این سؤال اساسی مطرح می‌گردد که چرا عاقله باید مسئول پرداخت خسارت باشند؟ از این‌رو، مسئولیت مدنی عاقله در خصوص عمل جانی خلاف اصل بوده و باید به مورد نص بسنده نمود (Al-Kasani, 1988; Najafi, 1983). همان‌گونه که با تصریح فقها، در دیه‌ی کمتر از جراحت موضعه، عاقله مسئولیتی ندارد. همچنین اگر قتل، با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند و قسامه باشد، عاقله مسئول نیست (Al-Saduq, 1983, 1997). نکته‌ی دیگر اینکه عاقله فقط ضامن خسارات جانی است والا نسبت به خسارات مالی، عاقله مسئول نیست (ماده‌ی ۴۶۶ ق.م.ا). حال با توجه به خلاف قاعده بودن آن، و با توجه به مبانی تاریخی آن، برخی معتقدند نهاد عاقله امروزه در حقوق ایران لازم نیست. زیرا این نهاد در زندگی قبیله‌ای می‌توانسته کارآمد باشد، اما در جامعه‌ی کنونی که دیگر زندگی قبیله‌ای وجود ندارد، چنین نهادی کاربرد خود را از دست داده

است (Ibn Torab, 2007; Mar'ashi Shushtari, 1997).

بنابراین، امروزه در حقوق موضوعه‌ی ایران، مسئولیت جبران خسارت در مواردی بر دوش افرادی دیگر است که نه تنها در فعل زیان‌بار هیچ نقشی نداشته‌اند، بلکه هیچ‌گونه تعهدی نسبت به اعمال فاعل فعل زیان‌بار نداشته‌اند و بنابراین، در این موارد، نوعی مسئولیت ناشی از عمل غیر محقق شده است که با قواعد، چندان سازگار نیست. از این منظر ممکن است گفته شود که بار کردن مسئولیت بر عاقله چندان وجهیتی ندارد، مگر تعبداً پذیرفته شود (Hosseini Manesh, 2003; Ibn Hazm al-Andalusi).

۳- توجیه ضمان عاقله از منظر مسئولیت مدنی

علی‌رغم اینکه ضمان عاقله، برخلاف اصل شخصی بودن است، اما می‌توان آن را از منظر حقوق مسئولیت مدنی توجیه کرد. آنچه پذیرش این نهاد را دشوار می‌سازد، آیات و روایاتی است که در خصوص اصل شخصی بودن مجازات‌ها آمده است (Ibn Hazm al-Andalusi). اما می‌توان توجیه کرد که طبق این آیات و احادیث، تحمیل گناه و مجازات بر دیگری مورد نفی قرار گرفته؛ در حالی که دیه‌ی مزبور، نوعی مسئولیت مدنی است. مسئولیت عاقله بر مبنای مواسات و یاری‌رسانی به خطاکار است، نه بر مبنای تحمیل کیفر بر عاقله و اگر هم در حقوق کیفری به‌عنوان نوعی مجازات ذکر شده، به زعم برخی از حقوق‌دانان، یک نوع «مجازات خصوصی» است و بنابراین ماهیتاً یک نوع تعهد و ضمان مالی است که فقط وصف «شبه کیفری» دارد (Viney, 1988). با این توجیه، ضمان مزبور اولاً از تکرار جرم جلوگیری کرده، و انگهی نوعی ضمان مالی و مسئولیت به جبران خسارتی است که مبلغ آن، چنان زیاد است که تحمل آن فقط بر یک نفر گاه و بی‌گاه از هستی ساقط می‌کند؛ در حالی که عاقله وی را در پرداخت آن یاری می‌کند (Al-Jassas, 1994). در حالی که اگر ضمان عاقله وجود نمی‌داشت، مبلغ گزاف دیه را جز اغنیا، کسی نمی‌توانست

بپردازد. در حالی که با وجود این نهاد، خسارت زیان‌دیدگان بدون جبران نمی‌ماند. همچنین با توجه به اینکه ممکن است جانی در مواردی توان مالی نداشته یا از ترس فرار کند و به‌طور کلی در موردی که دسترسی به وی ممکن نیست، اگر عاقله مسئول نباشد، حق زیان‌دیده ضایع می‌گردد. در حالی که با ضمان عاقله، احتمال تضییع حق زیان‌دیده کمتر می‌رود. بنابراین، در دنیایی که مسئولیت‌های جمعی رو به گسترش است، نهاد عاقله و مسئولیت خویشان از منظر حقوق مسئولیت مدنی می‌تواند قابل توجه باشد.

۴- تعیین مبنای مسئولیت عاقله از منظر مسئولیت مدنی

در اینکه از منظر فقه، مبنای اولیه ضمان عاقله را باید در نوعی تعاون و همیاری اجتماعی جست‌وجو کرد، تردیدی نیست (Al-Kasani, 1988). برحسب این مبنا، افراد یک خانواده موظف به اعانه و یاری یکدیگرند. به همین جهت، کسانی که نمی‌توانند بار تکلیف را به دوش کشند، مسئولیتی نیز ندارند (Al-Kasani, 1988). با این وجود، این مبنا نمی‌تواند مبنای مناسبی برای مسئولیت عاقله باشد. زیرا اگر مبنا، تعاون و همیاری است، باید در همه‌ی موارد قابل پذیرش باشد؛ در حالی که در مواردی، مسئولیت عاقله منتفی است.

ممکن است بر مبنای قاعده‌ی «من له الغنم فعلیه الغرم» (Al Bahr, 1982) بتوان مسئولیت عاقله را توجیه کرد. به این صورت که اگر قرار باشد عاقله از جانی ارث ببرد، باید مسئولیت وی را نیز به دوش کشد (Al-Tusi, 1968). این توجیه نیز چندان قوی نیست؛ زیرا افراد دیگری غیر از خویشان ذکور ارث می‌برند و بنابراین، اگر مبنای مسئولیت، عوض سودی بود که به جهت ارث نصیب ایشان می‌شد، باید همه‌ی افراد قبیله جزء عاقله به حساب آیند. وانگهی اگر دیه در مقابل ارث بود، باید عاقله به نسبت سهم الارث مسئول باشند؛ در حالی که طبق ماده‌ی ۴۶۸ ق.م.ا این مسئولیت به نحو تساوی است.

ممکن است گفته شود ضمان عاقله، ناشی از تقصیر ایشان است. زیرا ایشان در تربیت جانی کوتاهی کرده‌اند و خطای جانی، نتیجه‌ی تربیت غلط دیگر بستگان است. بنابراین، مسئولیت عاقله ناشی از فعل شخصی خود است (Awda). این توجیه نیز چندان صحیح نمی‌نماید. زیرا چگونه بستگان دور می‌توانند در تربیت انسانی که از سر خطا خسارتی به بار آورده مؤثر باشند؟ وانگهی یک فعل زیان‌بار را که خطایی نیز بوده، چگونه می‌توان به نقص در تربیت منسوب ساخت؟ بنابراین، چنین مسئولیتی را با هیچ‌کدام از مبانی مسئولیت مدنی نمی‌توان توجیه کرد. به همین جهت، برخی از فقها مسئولیت عاقله را تعبداً پذیرفته‌اند (Hosseini, 2003; Ibn Hazm al-Andalusi).

۵- مسئولیت جانی در کنار عاقله

ممکن است سؤال شود که اگر مسئولیت عاقله را بتوان در حقوق تعهدات و مسئولیت مدنی مطرح کرد، آیا می‌توان در کنار عاقله، خود جانی را نیز مسئول جبران خسارت دانست؟ ابتدا باید گفت که دیه‌ی مزبور، نوعی جبران خسارت است. به همین جهت، در برخی از روایات دال بر مسئولیت عاقله به این امر اشاره شده که ضمان مزبور جهت جلوگیری از به هدر رفتن خون مسلمان است. حال با این مبنا، در صورتی که عاقله‌ای نبوده یا توان پرداخت دیه را نداشته باشند یا با امتناع ایشان از پرداخت دیه، اخذ آن از آن‌ها ممکن نباشد، آیا باید دیه را از خود جانی گرفت یا از بیت‌المال که به نظر برخی از فقها، پرداخت دیه، از بیت‌المال به عمل می‌آید (Khomeini, 1994). هرچند برخی از فقها خود جانی را مسئول دانسته‌اند و اگر جانی هم مالی نداشته باشد، پرداخت دیه را از بیت‌المال می‌دانند (Fakhr, 2010; Ibn Zuhra, 1996) (ماده‌ی ۴۷۰ ق.م.ا) و برخی ضمان جانی را مقدم بر ضمان عاقله دانسته‌اند (Fakhr, 2010). حال باید این سؤال را مطرح نمود که آیا مسئولیت عاقله حکمی وضعی است یا تکلیفی؟ ثمره‌ی پذیرش یکی از این دو نظر این است که اگر مسئولیت عاقله

در این اختلاف، آنچه از منظر حقوق مسئولیت مدنی به ذهن اقوی می‌رسد، نظری است که دیه را ابتدائاً بر ذمه‌ی جانی مستقر می‌داند و عاقله هم اگر پرداخت، دین جانی را می‌پردازد و نه دین واقعی خویش را؛ زیرا عاقله در فعل زیان‌بار نقش نداشته و نسبت به جانی نیز تعهدی ندارد. بنابراین، چه مبنایی از این قوی‌تر که طبق قاعده، هر کس فعل زیان‌باری انجام دهد، خود مسئول است و جانی نیز به جهت عمل زیان‌بار خویش ضامن است و اگر هم عاقله پرداخت می‌کند، بیشتر از باب تضمین حق زیان‌دیده است، نه صرفاً لطف و احسان به خطاکار. بنابراین، به نظر می‌رسد از منظر قواعد عام مسئولیت مدنی، ضمان عاقله منافاتی با مسئولیت مدنی شخص خطاکار ندارد. چنین توجیهی از خلاف قاعده بودن ضمان عاقله می‌کاهد و این ضمان را قابل پذیرش می‌کند. کما اینکه ماده‌ی ۴۷۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نیز با پذیرش مسئولیت جانی در صورت عدم وجود عاقله یا عدم تمکن عاقله، به‌نوعی مسئولیت هم‌زمان جانی و عاقله را پذیرفته است؛ اگرچه امکان رجوع به بیت‌المال در صورت عدم تمکن مالی جانی را نیز مقرر می‌دارد.

۶- حق رجوع عاقله به جانی

در قسمت قبل مطرح شد که قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ به‌نوعی مسئولیت خود جانی را نیز در کنار عاقله پذیرفته است و این نظر با قواعد سازگارتر است؛ زیرا سبب اشتغال ذمه‌ی جانی عمل زیان‌بار، یعنی جنایتی است که مرتکب گردیده است و در نتیجه، گویی عاقله دین موجود بر ذمه‌ی جانی را می‌پردازد. حال سؤالی که مطرح می‌شود، این است که در مواردی که شخصی به جهت تضمین، دین دیگری را می‌پردازد، حق مراجعه به مدیون اصلی را خواهد داشت (ملاک ماده‌ی ۳۱۸ ق.م). به عبارتی دیگر، این مسئولیت ناشی از عمل غیر فقط برای تضمین حق زیان‌دیده نیست، بلکه گویی دارای چهره‌ی حمایتی از فاعل فعل زیان‌بار را نیز دارد (Malaurie et al., 2004). این امر سبب طرح این

حکمی تکلیفی باشد، مسئول اصلی جبران خسارت، خود مرتکب خطای محض بوده و دین بر ذمه‌ی وی استوار است. اما اگر حکم مزبور، حکم وضعی باشد، عاقله مسئول بوده و در صورتی که جانی عاقله‌ای نداشته باشد و یا معسر از پرداخت باشند، دیه از بیت‌المال تأدیه خواهد شد (Shambayati, 2010). به نظر برخی، مسئولیت عاقله ظاهر در حکم تکلیفی است (Mar'ashi Shushtari, 1997) و بنابراین، اشتغال ذمه‌ی جانی نباید چندان بعید باشد. کما اینکه نظر مشهور این است که ذمه‌ی جانی مشغول می‌گردد (Al-Khoei, 1976).

همچنین اگر از منظر حقوق مسئولیت مدنی به نهاد عاقله نگریسته شود، این سؤال قابل طرح است که آیا عاقله فی‌نفسه مسئولیت اعمال جانی را بر عهده دارد یا نوعی ضمان فرع بر ضمان جانی است (Ibn Abi Jumah, 1989). در پاسخ به این سؤال، مقدمتاً باید اذعان داشت که ضمان عاقله، نوعی تعاون و همیاری در جامعه است (Al-Kasani, 1988). نکته‌ی دیگر اینکه باید این سؤال را مطرح کرد که آیا اصل بر مسئولیت عاقله است یا جانی؟ در پاسخ به سؤال مزبور، برخی از فقها، اصل را بر مسئولیت مدنی جانی و به عبارتی، جبران ضرر از اموال وی قرار داده‌اند. زیرا وی مرتکب عمل زیان‌بار شده و مسئولیت عاقله فقط بر این مبنا توجیه می‌شود که قانون‌گذار بر وی تحمیل نموده است (Al-Kasani, 1988; Tabatabaei, 1983). در این صورت، حتی می‌توان گفت یکی از افراد عاقله، خود جانی است. زیرا خود جانی نیز یکی از افراد قبیله است و تحمیل مسئولیت بر وی، اولی بر تحمیل مسئولیت بر خویشان است (Al-Kasani, 1988). برخی از فقها نیز از ابتدا مسئولیت را بر عهده‌ی عاقله می‌دانند (Al-Tusi, 1996). برخی از فقها نیز با اشاره به برخی از روایات، موضوع را به‌صورت اختلافی مطرح نموده‌اند (Al-Hilli, 1994; Najafi, 1983).

حال گسترش بوده و با توجه به هدف مسئولیت مدنی که جبران خسارت زیان‌دیده است، نهاد عاقله قابل توجه است که از این رو، باید این نهاد را از منظر حقوق تعهدات مطرح نمود، نه صرفاً قانون مجازات. این امر اشکالی ایجاد نمی‌کند. زیرا مسئولیت عاقله حکمی امضایی است و به این ترتیب، شارع روش عقلایی را در زمان تشریع، تأیید نموده است و از طرف دیگر، هم وسیله‌ی جبران ضرر بوده است.

این نهاد قبل از اسلام وجود داشته و یکی از مکارم اخلاق به حساب می‌آمده و پیامبر(ص) آن را تأیید فرمود ([Al-Jassas, 1994](#)). حال در حقوق کنونی، عده‌ای طرفدار مطلق و عده‌ای منتقد مطلق این نهاد حقوقی هستند؛ به نحوی که طبق نظر برخی، باید این نهاد را از چهره‌ی قوانین زدود و طبق نظر برخی، باید مانند حکمی تعبدی پذیرفت. به نظر می‌رسد برای سازگار نمودن این نهاد با حقوق تعهدات و مسئولیت مدنی، بهتر است این نهاد را به صورت تعدیل‌شده پذیرفت. به این نحو که مانند برخی از فقها، می‌توان گفت در مواردی که تقصیر عاقله در محافظت از جانی آشکار است، عاقله مسئول پرداخت دیه باشد؛ زیرا در این موارد، مسئولیت عاقله از باب سببیت اقوی از مباشر، قابل توجه است. اما در مواردی که عاقله ظاهراً در نگهداری و مواظبت جانی نقش ندارد، خود جانی مسئول باشد. بدین ترتیب، ضمن تلطیف حکم مزبور، این نهاد کارایی اجتماعی خود را نیز به دست خواهد آورد. عاقله در منع جانی از جنایت می‌کوشد و در صورتی که در این امر مسامحه‌ای کنند، مسئولیت عمل جانی را بر عهده خواهند داشت. همان‌گونه که برخی، حکم به مطلق مسئولیت عاقله را موافق ادله و لسان اخبار وارده نمی‌دانند ([Sanei, 2003](#)).

بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به سنگینی مبلغ دیه و اینکه پرداخت آن اصولاً از جانب خود جانی گاه غیرممکن یا دشوار است، نمی‌توان نهاد عاقله را از حقوق مسئولیت مدنی حذف نمود. روزگاری که حرکت از مسئولیت فردی به سوی مسئولیت‌های

پرسش است که آیا عاقله، پس از ادای دیه به زیان‌دیده یا ورثه‌ی وی، می‌تواند به فرد خطاکار مراجعه کنند یا نه؟ برخی از فقها پاسخ مثبت به این پرسش داده و معتقدند اگر جانی دارای مالی باشد، عاقله می‌تواند به وی مراجعه کنند ([Al-Tusi](#)). همچنین، این امر مطرح شده که اگر جانی دارای مالی باشد، اما عاقله امکان پرداخت نداشته باشد، خود جانی مسئول است ([Al-Tusi](#)) که به نظر می‌رسد با توجه به ظاهر ماده‌ی ۳۱۲ ق.م.ا. فعلاً این امر در حقوق ایران منتفی است. با این وجود، صرف‌نظر از مباحث قبلی، مبتنی بر اینکه آیا خود خطاکار هم در کنار عاقله مسئول است یا نه و حتی اگر بپذیریم که خطاکار مسئولیتی در پرداخت خسارت به زیان‌دیده ندارد، این سؤال، حداقل از نظر تئوری، قابل طرح است که آیا عاقله، پس از پرداخت، حق مراجعه به خطاکار را دارد یا نه؟ برخی معتقدند که عاقله نمی‌تواند به خطاکار مراجعه کند، زیرا دیه از ابتدا بر ذمه‌ی عاقله است، نه خطاکار، و اگر عاقله به خطاکار مراجعه کند، خلاف عدالت است ([Mousavi, 1995](#)). در حالی که نباید از یاد برد که عاقله‌ای نیز که هیچ تعهدی از قبل ندارد، مسئولیت وی فقط تضمین حق بزه‌دیده است. بنابراین، قانون‌گذار می‌تواند برای تعدیل حکم عاقله، حداقل به ایشان اجازه‌ی مراجعه به خطاکار را بدهد ([Al-Tusi](#)).

۷- جایگاه مسئولیت عاقله در حقوق کنونی

تا اینجا مسئولیت عاقله در قالب مسئولیت مدنی مطرح شد. نهادی که اگر از منظر جبران خسارت به آن نگریسته شود، مسئولیت ناشی از عمل غیر را مطرح نموده است. اگر این نهاد، در حقوق سنتی خلاف اصل شخصی بودن مسئولیت قلمداد می‌شد، اما از این جهت که افراد قبیله تعهد به یاری همدیگر داشتند یا حداقل تعهد داشتند تا افراد قبیله را از اضرار به دیگران منع کرده و از تکرار جرم جلوگیری کنند، نهادی قابل توجه بود. امروزه نیز در حقوق تعهدات برخی از کشورها، مانند فرانسه، مسئولیت‌های جمعی در

بپردازد (Ibn, 1985). در مورد عمد نیز در فقه، تأکید شده که اگر قاتل فوت کند یا فرار کند، از اموال وی برداشته شده و در صورتی که مالی نباشد، از خویشان وی اخذ می‌شود و اگر خویشانی نباشد، از بیت‌المال گرفته خواهد شد (Al-Hilli, 1984; 1988) (ماده‌ی ۳۱۳ ق.م.ا). به این ترتیب، در مواردی خویشان ضامن عمل دیگری قرار می‌گیرند.

۳- توجیه ضمان خویشاوندان از منظر مسئولیت مدنی

مسئولیت خویشان نیز علی‌رغم مخالفت با اصل شخصی بودن، در راستای جبران خسارت زیان‌دیده است و با اینکه اصولاً نمی‌توان تقصیری به ایشان نسبت داد، اما جبران خسارت زیان‌دیده اقتضا می‌کند که خویشان مسئول باشند. هرچند در اینجا، گاه این جبران خسارت سبب فشار زیادی بر خویشان است؛ زیرا عاقله به نحو تساوی مسئولیت دارد، ولی خویشان بر حسب درجه‌ی نزدیکی به فاعل فعل زیان‌بار مسئول می‌باشند. از سوی دیگر، در این موارد، از فحوای ماده‌ی ۴۳۵ ق.م.ا برمی‌آید که فاعل فعل، خود ضامن است و به همین جهت، اگر مالی از وی به دست نیاید، از خویشان گرفته می‌شود و این نشان می‌دهد که اگر بعد از پرداخت توسط خویشان، مالی از فاعل به دست آمد، خویشان حق دارند آنچه را به زیان‌دیده پرداخت کرده‌اند از اموال فاعل استیفاء کنند.

دوم: مسئولیت خویشان در ماده‌ی ۷ ق.م.م

۱- مفهوم

طبق ماده‌ی ۷ ق.م.م، هر شخصی که نگهداری از مجنون یا صغیر بر عهده اوست، ضامن خساراتی است که از ناحیه‌ی ایشان به اشخاص دیگر وارد آید. همان‌گونه که در حقوق فرانسه، طبق ماده‌ی ۱۳۸۴ اصلاحی قانون شماره‌ی ۴۵۹-۷۰ مورخ ۴ ژانویه ۱۹۷۰، پدر و مادر تا وقتی که حق نگهداری بر کودک را اعمال می‌کنند، متضامناً مسئول جبران خسارات وارده از ناحیه‌ی کودکانی هستند که با آن‌ها زندگی می‌کنند (Mazeaud et al., 1978). البته در حقوق فرانسه، مؤسسات نیز می‌توانند مسئول جبران

جمعی در حال جریان است، حذف این نهاد که به‌نوعی توزیع مسئولیت بین جمع است، برخلاف اندیشه‌ی رایج در علم مسئولیت مدنی است.

گفتار دوم: مسئولیت مدنی خویشاوندان ناشی از عمل غیر

اول: در فقه

۱- مفهوم

مواردی یافت می‌گردد که دامنه‌ی استثنائات اصل شخصی بودن مسئولیت گسترده‌تر گردیده و جبران خسارت بر دوش خویشاوندان دیگری قرار گرفته است. بدیهی است چنین مسئولیتی خلاف قاعده بوده و باید به مورد نص مزبور بسنده نمود (Khomeini, 1994).

۲- جبران خسارت به وسیله‌ی خویشاوندان نسبی

در کتب حدیث، در باب حکم قتل عمدی که قاتل فرار کرده است، روایتی از ابوبصیر نقل گردیده که در آن از امام، از قاتلی که عمداً مرتکب قتل شده و سپس گریخته است سؤال می‌شود. در جواب مطرح می‌گردد که اگر قاتل، مالی داشته، از وی گرفته می‌شود والا طبق قاعده‌ی الاقرب فالاقرب، از بستگان وی دیه اخذ می‌شود و اگر خویشاوندی ندارد، از امام مسلمین گرفته خواهد شد؛ زیرا خون مسلمان هدر نمی‌گردد (Al-Hurr, 1993) (ماده‌ی ۲۶۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰). بدیهی است در این موارد، عاقله ضامن نیست (Al-Tusi; Najafi, 1983)؛ زیرا طبق ماده‌ی ۴۶۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، عاقله مسئول جبران خسارت قتل یا جراحت موضعه است که به نحو خطئی می‌باشد. هرچند برخی در این موارد، با اینکه قتل عمد است، عاقله را ضامن دانسته‌اند (Abu al-Salah, 1982)، ولی به دلیل اصل برائت ذمه‌ی عاقله (Ibn Zuhra, 1996) باید این نظر را تقویت کرد که عاقله مسئول نیست.

طبق نظر برخی، مبنای این مسئولیت را نیز باید در این امر یافت که در این موارد، آنکه ارث می‌برد، بیشتر سزاوار است تا دیه را

صغیری که با مادر خویش زندگی می‌کند، به نحو خطئی، سبب خسارت جانی یا بدنی دیگری شود. در این موارد، اگر مادر در نگهداری و مراقبت از طفل، مرتکب تقصیر و کوتاهی شده باشد، طبق ماده‌ی ۷ ق.م.م ضامن است. در ضمن، عاقله نیز ضامن پرداخت خسارت می‌باشد. در چنین وضعیتی معلوم نیست آیا زیان‌دیده الزاماً باید به عاقله مراجعه کند یا قادر است به خود جانی (طفل) یا مادر وی نیز مراجعه کند؟

۲- رفع تعارض

ممکن است با توجه به تأخر زمان تصویب قانون مجازات اسلامی، ادعا شود که ماده‌ی ۷ ق.م.م در این مورد نسخ گردیده است. اما به نظر بعید می‌رسد که در هنگام وضع مواد قانون مجازات، مقنن درصدد حذف مسئولیت مجبورین و سرپرست آن‌ها بوده باشد. وانگهی طبق قاعده‌ی استصحاب، ابقاء قانون، تا زمانی که یقین بر نسخ حاصل نباشد، سزاوارتر از ادعای نسخ است. همچنین، عاقله فقط نسبت به خسارات جانی از موضعه به بالا مسئولیت دارد و نسبت به خسارات پایین‌تر از موضعه و نسبت به خسارات مالی، خود شخص ضامن است و در صورتی که فاعل فعل زیان‌بار صغیر یا مجنون باشد و سرپرست آن‌ها در نگهداری تقصیر کرده باشد، سرپرست ضامن است. در حالی که با اعتقاد به نسخ این مواد، معلوم نیست که این خسارات چگونه باید جبران گردد. به علاوه، اگر به مبانی نهاد عاقله و مبانی و اهداف مسئولیت مدنی نگریسته شود، بین موارد فوق هیچ‌گونه تعارضی نیست. زیرا با توجه به هدف کلی نهاد عاقله که جلوگیری از تضییع خون بوده و به عبارتی، بیشتر نظر به جبران خسارت زیان‌دیده بوده است، می‌توان با توجه به آرای برخی از فقها، مواد مزبور را به این ترتیب جمع نمود که در این موارد، اولاً به جهت فعل زیان‌باری که شخص انجام داده، طبق قاعده، خود ضامن است. در نتیجه، اگر شخص بالغ و عاقل باشد، طبق ماده‌ی ۱ ق.م.م مسئول می‌باشد و اگر صغیر و مجنون باشد، طبق ماده‌ی ۱۲۱۶ ق.م، خود صغیر یا مجنون ضامن

خسارات کسانی باشند که برای نگهداری، به این مؤسسات سپرده شده‌اند (Viney & Jourdain, 1998) که مبنای چنین مسئولیتی را «خطر اجتماعی» دانسته‌اند (Viney & Jourdain, 1998). حال در مواردی در ماده‌ی ۷ ق.م.م، خویشاوندان می‌توانند سرپرست به حساب آیند که این مسئولیت، یکی از اقسام مسئولیت ناشی از عمل غیر به حساب آمده و گاه با مسئولیت عاقله تداخل پیدا می‌کند که در قسمت‌های بعد مطرح می‌گردد.

۲- شرایط مسئولیت سرپرست در ماده‌ی ۷ ق.م.م

برخلاف مسئولیت عاقله، مسئولیت مندرج در ماده‌ی ۷ ق.م.م منوط به احراز شرایطی است که خود این شرایط، تا حدودی از خلط مسئولیت عاقله و مسئولیت سرپرست در ماده‌ی ۷ جلوگیری می‌کند. حقوق‌دانان فرانسه، شرایطی را در خصوص مسئولیت ناشی از عمل کودک احصاء نموده‌اند (Mazeaud et al., 1978) که در ماده‌ی ۷ ق.م.م نیز لازم است. اولین شرط، صغیر بودن است (Mazeaud et al., 1978). شرط دوم، همزیستی با والدین است (Mazeaud et al., 1978). شرط سوم این است که کودک باید بتواند خود طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی مسئول باشد (Mazeaud et al., 1978). شرط چهارم این است که سرپرست باید در نگهداری از کودک مرتکب تقصیر شده باشد که طبق ماده‌ی ۱۳۸۴ ق.م.ف، تقصیر والدین مفروض است (Starck, 1972). در حقوق ایران نیز برای تحقق مسئولیت سرپرست ناشی از عمل مجنون یا صغیر، گذشته از اینکه شخص باید مجنون یا صغیر باشد، بقیه شرایط نیز لازم است. البته با فقدان تقصیر مفروض، زیان‌دیده باید تقصیر سرپرست را در نگهداری به اثبات برساند.

گفتار سوم: تعارض مسئولیت‌ها

۱- طرح تعارض

در مواردی بین مسئولیت مدنی سرپرست و عاقله تعارض پیش می‌آید. چنین تعارضی را می‌توان در فرضی مشاهده کرد که طفل

عاقله نمی‌ماند. جز اینکه اگر زیان‌دیده به ماده‌ی ۷ ق.م.ف استناد کند، باید تقصیر سرپرست را ثابت نماید.

نتیجه‌گیری

اخیراً در حقوق فرانسه، مسئولیت مدنی جمعی شده و نهادهایی برای جبران خسارت ایجاد شده و مسئولیت ناشی از عمل غیر چنان گسترده شده که خود، تبدیل به یکی از قواعد مسئولیت مدنی شده است. در فقه امامیه، با توجه به جامعیت آن، قرن‌های متمادی است که نهادهایی چون مسئولیت عاقله و مسئولیت خویشاوندان و مسئولیت بیت‌المال پیش‌بینی شده است؛ ولی حقوق‌دانان این نهادها را به‌عنوان استثناء تلقی می‌نمایند و همین امر، سبب شده که با بی‌میلی با آن‌ها برخورد شود. در حالی که اگر قانون‌گذار به تبع برخی از آرای فقهی، مسئولیت فاعل فعل زیان‌بار را در کنار این نهادها پیش‌بینی کرده و پس از جبران خسارت توسط این نهادها، به آن‌ها حق دهد تا به مدیون اصلی، یعنی فاعل فعل زیان‌بار، مراجعه کنند، در این صورت، مسئولیت این نهادها استثنایی نبوده، بلکه در راستای تضمین پرداخت توسط فاعل فعل زیان‌بار خواهد بود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The present study examines the liability of the 'āqilah as a jurisprudential and legal institution through the lens of non-contractual civil liability arising from the act of another. In classical legal thought, liability is generally connected to the personal act of the wrongdoer, and the principle of personal liability has often been treated as a foundational requirement of both criminal justice and civil responsibility (Lecourt, 2008; Porchy-Simon, 2006). However, the doctrine of the 'āqilah challenges this individualistic

است و در صورتی که فاعل فعل زیان‌بار، صغیر یا مجنون باشد و این خسارت به تقصیر سرپرست، مانند پدر یا مادر یا قیم یا ولی یا یکی از مؤسسات مسئول نگهداری، منسوب باشد، سرپرست طبق ماده‌ی ۷ ق.م. مسئول جبران خسارت است. در این وضعیت، مسئولیت سرپرست بر مبنای تقصیر سرپرست بوده و چنین مسئولیتی، از باب سبب (سرپرست) اقوی از مباشر (صغیر یا مجنون) قابل توجیه می‌باشد. در عین حال، طبق قانون مجازات، عاقله نیز ضامن است. در این صورت، اگر بتوان مانند برخی از فقها، اعتقاد به تکلیفی بودن ضمان عاقله داشت (Mar'ashi Shushtari, 1997) و مانند مشهور فقها بتوان ذمه‌ی جانی را به دیه مشغول دانست (Al-Khoei, 1976)، در این صورت، زیان‌دیده بر مبنای این عقیده می‌تواند به خود جانی مراجعه نماید (Fakhr, 2010) و به این ترتیب، بین ماده‌ی ۱۲۱۶ ق.م که در این موارد فاعل فعل زیان‌بار را ضامن می‌داند، با این عقیده‌ی فقهی که ابتدا ضمان را بر دوش خود جانی استوار می‌نماید، هیچ تعارضی نیست. همچنین، اگر مانند برخی از فقها، ضمان عاقله را نوعی همیاری و تعاون بین جانی و بستگان وی بدانیم، در این صورت، در کنار مسئولیت جانی، عاقله نیز ضامن است (Al-Kasani, 1988; Tabatabaei, 1983) که از نظر هدف، با ماده‌ی ۷ ق.م قابل جمع می‌باشد و هیچ تعارضی بین ماده‌ی ۷ و

model by imposing financial responsibility for certain accidental bodily injuries or homicide on specified male agnatic relatives of the wrongdoer. This has led some jurists to regard the institution as exceptional, obsolete, or inconsistent with modern legal rationality (Hosseini Manesh, 2003; Ibn Torab, 2007). The central argument of this study is that such an interpretation is incomplete, because the liability of the 'āqilah should not be analyzed as criminal punishment imposed on a non-offender, but rather as a form of civil

guarantee aimed at preventing uncompensated harm.

The theoretical foundation of the study rests on the distinction between punishment and compensation. In Islamic jurisprudence, blood money is not merely a penal sanction; it also performs a compensatory function and creates a financial obligation directed toward restoration of the victim's loss (Al-Kasani, 1988; Najafi, 1983). Accordingly, the liability of the 'āqilah may be understood as a non-contractual civil obligation that arises by operation of law after a harmful act, even though the person legally required to pay has not directly committed the wrongful act. This logic has parallels in modern French civil liability, where the decline of strictly individual liability and the expansion of liability for the act of another reflect a broader tendency toward guaranteeing compensation for victims (Cabrilac, 2005; Viney, 1995). French legal doctrine has also emphasized that civil liability is not necessarily the punishment of moral fault, but the payment of a debt that may justifiably be imposed on the person or institution best able to bear it (Benabent, 2005; Delebecque & Pansier, 2008).

The study further shows that the liability of the 'āqilah resembles a familial form of risk distribution. In cases of pure mistake, where the wrongdoer may be unable to bear the full burden of blood money, the obligation is distributed among relatives so that the victim's right to compensation is not lost (Al-Tusi, 1968; Khomeini, 1994). This structure can be compared with modern mechanisms such as collective liability, insurance, guarantee funds, and solidary or in solidum obligations, all of which seek to prevent the victim from remaining uncompensated because of the insolvency or absence of the immediate wrongdoer (Legier, 2008; Malinvaud, 2005). From this perspective, the 'āqilah is not merely a tribal remnant but an early model of collective civil responsibility. Its rationale is

especially significant in contemporary legal systems that increasingly move from fault-based individual liability toward broader compensation-oriented models (Jeuland, 2009; Toulet, 2005).

The article also considers possible foundations for the liability of the 'āqilah. Cooperation and social solidarity are among the most persuasive explanations, because the institution reflects a duty of familial support in cases where the financial consequences of accidental injury exceed the capacity of the wrongdoer (Al-Kasani, 1988). Other possible justifications, such as the rule that benefit entails burden, are less convincing, because inheritance rights do not fully correspond to the equal distribution of liability among the 'āqilah (Al Bahr al-Ulum, 1982). Likewise, grounding the liability of the 'āqilah in presumed fault in education or supervision is problematic, particularly where remote relatives have no realistic influence over the wrongdoer's conduct (Awda). For this reason, some jurists have treated the institution as a devotional or text-based ruling (Ibn Hazm al-Andalusi). Nevertheless, from the standpoint of civil liability, its most coherent justification lies in the protection of the victim and the legal distribution of financial risk.

The study also addresses the relationship between the liability of the 'āqilah, the liability of relatives, and the liability of supervisors. In Islamic jurisprudence, there are cases in which relatives may be required to compensate for harm where the offender has fled, died, or lacks property, especially in order to prevent the blood of a Muslim from being wasted (Al-Hilli, 1988; Al-Hurr, 1993). In Iranian civil liability law, a related but distinct form of liability exists where a person responsible for the care of a minor or insane person is liable for harm caused by that person, provided the relevant conditions of supervision and fault are satisfied. This resembles French civil law rules concerning parental or institutional

responsibility for persons under care (Mazeaud et al., 1978; Viney & Jourdain, 1998). The possible overlap between these doctrines should not be treated as contradiction. Rather, the liability of the wrongdoer, the supervisor, the 'āqilah, relatives, and even the public treasury can be arranged within a coherent compensatory system, provided that their functions are clearly distinguished.

In conclusion, the liability of the 'āqilah should be reinterpreted not as an irrational exception to personal responsibility, but as a historically rooted and legally meaningful mechanism of non-contractual civil liability arising from the act of another. Its main function is not punishment, but compensation, guarantee, and prevention of uncompensated injury. Although the institution requires doctrinal refinement in contemporary Iranian law, especially regarding the continuing liability of the actual wrongdoer and the possible right of recourse after payment, it can still contribute to the development of a more comprehensive theory of civil responsibility. By placing the 'āqilah within the broader framework of collective compensation and civil guarantee, the legal system can preserve the compensatory wisdom of Islamic jurisprudence while harmonizing it with modern principles of non-contractual liability.

References

- Abu al-Salah, a.-H. (1982). *Al-Kafi fi al-Fiqh*. Maktabat Amir al-Mu'minin.
- Al-Hilli, A. H. i. Y. i. M. (1994). *Mukhtalaf al-Shi'a* (Vol. 9). Islamic Publication Institute Affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Al-Hilli, M. A. a.-Q. N. a.-D. J. f. i. a.-H. (1988). *Shara'i' al-Islam* (Vol. 4). Esteqlal Publications.
- Al-Hilli, Y. i. S. i. (1984). *Al-Jami' li al-Shara'i'*. Seyyed al-Shuhada Institute.
- Al-Hurr, a.-A. (1993). *Wasa'il al-Shi'a* (Vol. 29). Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage.
- Al-Jassas, A. B. A. i. A. a.-R. (1994). *Ahkam al-Qur'an* (Vol. 2). Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Al-Kasani, A. B. i. M. u. (1988). *Bada'i' al-Sana'i'* (Vol. 7). Maktabat al-Habibiyyah.
- Al-Khoei, S. A. a.-Q. M. (1976). *Mabani Takmilat al-Minhaj* (Vol. 2).
- Al-Mufid, M. i. M. i. a.-N. m. (1989). *Al-Muqni'ah*. Jami'at al-Mudarrisin.
- Al-Saduq, M. i. A. (1983). *Man La Yahduruhu al-Faqih* (Vol. 4). Jami'at al-Mudarrisin.
- Al-Saduq, M. i. A. (1997). *Al-Hidayah*. Imam al-Hadi Institute.
- Al-Tusi, A. J. f. M. i. a.-H. i. A. *Al-Nihayah fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatawa*. Dar al-Andalus.
- Al-Tusi, A. J. f. M. i. a.-H. i. A. (1968). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah* (Vol. 7). Al-Maktabah al-Murtadawiyyah.
- Al-Tusi, A. J. f. M. i. a.-H. i. A. (1996). *Al-Khilaf* (Vol. 5). Islamic Publication Institute.
- Al Bahr al-Ulum, S. M. (1982). *Bulghat al-Faqih* (Vol. 1). Maktabat al-Sadiq.
- Awda, A. a.-Q. *Islamic Criminal Legislation Compared with Positive Law*.
- Benabent, A. (2005). *Droit civil: Les obligations*. Librairie generale de droit et de jurisprudence.
- Cabrillac, R. (2005). *Droit des obligations*. Dalloz.
- Delebecque, P., & Pansier, F. J. (2008). *Droit des obligations*. LexisNexis.
- Fakhr, a.-M. (2010). *Idah al-Fawa'id* (Vol. 4).
- Hosseini Manesh, M. A. (2003). The Liability of Aqilah from Two Justificatory and Critical Perspectives. *Articles and Reviews*(74).
- Ibn, a.-B. (1985). *Al-Muhadhdhab* (Vol. 2). Jami'at al-Mudarrisin.
- Ibn Abi Jumhur, M. i. A. i. I. a.-A. i. (1989). *Al-Aqtab al-Fiqhiyyah ala Madhhab al-Imamiyyah*. Library of Grand Ayatollah Mar'ashi Najafi.
- Ibn Hazm al-Andalusi, A. M. A. i. A. i. S. i. *Al-Muhalla* (Vol. 11). Dar al-Fikr.
- Ibn Manzur, M. i. M. (1984). *Lisan al-Arab* (Vol. 11). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Ibn Torab, M. (2007). The Liability of Aqilah and Its Place in Contemporary Society. *Jurisprudence and Family Law Quarterly (Neday-e Sadeq)*, 12(45-46).
- Ibn Zuhra, a.-H. (1996). *Ghunyat al-Nuzu' ila Ilmay al-Usul wa al-Furu'*. Imam al-Sadiq Institute.
- Jeuland, E. (2009). *Droit des obligations*. Montchrestien.
- Khomeini, S. R. M. (1994). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 4). Islamic Publications Office.
- Lapoyade Deschamps, C. (1998). *Droit des obligations*. Ellipses Edition Marketing.
- Lecourt, A. (2008). *Fiches de droit des obligations*. Ellipses Edition Marketing.
- Legier, G. (2008). *Droit civil: Les obligations*. Dalloz.
- Malaurie, P., Aynes, L., & Stoffel-Munck, P. (2004). *Droit civil: Les obligations*. Defrenois.
- Malinvaud, P. (2005). *Droit des obligations*. LexisNexis Litec.
- Mar'ashi Shushtari, M. H. (1997). *New Perspectives in Islamic Criminal Law*. Mizan.
- Maraghi, S. M. F. i. A. H. (1996). *Al-Anawin al-Fiqhiyyah*. Jami'at al-Mudarrisin Publications.

- Martini, P., & Losfeld, K. (2000). *Droit des obligations*. Librairie Vuibert.
- Mazeaud, H., Mazeaud, L., & Mazeaud, J. (1978). *Lecons de droit civil: Obligations*. Montchrestien.
- Mousavi Ardebili, S. A. (1995). *Fiqh al-Diyat*. Maktabat Amir al-Mu'minin Publications.
- Najafi, S. M. H. (1983). *Jawahir al-Kalam* (Vol. 43).
- Porchy-Simon, S. (2006). *Droit civil: Les obligations*. Dalloz.
- Sanei, Y. (2003). *Muntakhab al-Ahkam*. Meysam Tammar Publications.
- Shambayati, H. (2010). *Special Criminal Law: Crimes against Persons* (Vol. 1).
- Starck, B. (1972). *Droit civil: Obligations*. Librairie Techniques.
- Tabatabaei, A. (1983). *Riyad al-Masa'il* (Vol. 2). Al al-Bayt Institute.
- Toulet, V. (2005). *Droit civil: Les obligations*. Centre de Publications Universitaires.
- Viney, G. (1988). *Traite de droit civil: Les obligations, la responsabilite*. Librairie generale de droit et de jurisprudence.
- Viney, G. (1995). *Traite de droit civil: Introduction a la responsabilite*. Librairie generale de droit et de jurisprudence.
- Viney, G., & Jourdain, P. (1998). *Traite de droit civil: Les conditions de la responsabilite*. Librairie generale de droit et de jurisprudence.